

## قانون مجازات عمومی

جرم مؤثر باشد باید یا جرم در داخله (۱) کشور انجام و یا لا اقل بحکم قطعی و لازم الاجرای همان کشور مرتکب محکوم شده باشد -

علت این شرط و لزوم آن بخوبی واضح است چه همانطور که محیط تربیت و مقتضیات اجتماعی و طرز زندگی در کشورهای مختلف متغیر است همانطور هم قوانین و مخصوصاً قانون مجازات تابع همان مقتضیات و بر حسب مصالح هر کشوری فرق می کند - بطوریکه فلان عمل در عین اینکه در نزد ملتی آزاد و مباح است در نزد ملت دیگر ناپسند و جرم است - اینست که نمیتوان کرده شخص در کشور خارجی را ( که در آنجا عمل او جرم و در کشور خود آزاد و مباح است ) در جرم مرتکبه در مبین خود مؤثر بدانیم فقط در موارد استثنائی (۲) ممکن است جرم واقع شده در کشور خارجی مؤثر در تکرار شده و آن وقتی است که بهمان جرم شخص در داخله کشور بحکم قطعی و لازم الاجراء محکوم گردد بهمین جهت است که شرط تحقق در تکرار جرم را وقوع آن در داخل کشور و یا در هر حال صدور حکمی بشرح فوق از دادگاه کشور مزبور گرفته ایم - پس بنا بر آنچه گفتیم

این مقصود از ماده ۲۴ ( که می گوید: کسیکه بحسب تادیبی بیش از دو ماه محکوم شده ) بخوبی برمی آید. همچنین محکومیت بجرائم خفیه از قبیل خلاف و جنحه کوچک از قاعده فوق بشرح جمله نامبرده مستثناست علت آنهم بخوبی واضح است زیرا امور خلاف و جنحه کوچک ناشی از غفلت افراد است. مخصوصاً آنها که از حیث تربیت و اخلاق ضعیف تر اند و از طرف دیگر از خلاف و جنحه کوچک خطر زیادی متوجه افراد جامعه نمیشود مرتکب هم نفع مخصوص و قابل توجهی در انجام آنها ندارد اینست که حساب کردن آنها در تکرار نه دارای فلسفه و فایده است و نه مؤثر در ترک آنها از طرف مردم.

قوانین مجازات مطلقاً در استثناء هر دو جرم متفق اند منتها بعضی هاضریحاً بدان اشاره کرده و برخی مفاداً حکایت بر این معنا دارند از آنجمله است قانون مجازات عمومی ایران که بشرحیکه دیدیم نه تنها خلاف و جنحه کوچک را استثنا کرده بلکه هر نوع محکومیت بجرمی که مجازاتش کمتر از دو ماه باشد در تکرار مؤثر نگرفته و این معنا از مفاد ماده ۲۴ بخوبی مشهود است.

۲ - هر دو جرم در داخله کشور واقع و در هر حال بحکم قطعی و لازم الاجراء ثابت شده باشد - این شرط برای مصداق پیدا کردن تکرار در مقام خود دارای اهمیت خاصی است - می دانیم اصل رعایت و قابلیت احترام و اجرای قانون در داخله کشور یکی از اصول مسلمه حقوق بین الملل خصوصی و در اینجا محتاج به بحث مفصل درباره آن نخواهیم بود لکن عمیقتر اشاره می کنیم برای آنکه بحکومیتی در تکرار

(۱) مقصود از داخله کشور، محلی است که تحت فرمانروایی و حاکمیت کشور باشد اعم از خاک داخلی یا نقاط تحت تصرف و حکومت و یا ملحقات از قبیل کشتی و هواپیما و هر چه که از قوانین داخلی کشوری پیروی نماید.

(۲) رجوع بحقوق بین الملل خصوصی و مواردیکه معاهدات یا قوانین صریحاً عمل واقع شده در کشور خارجی را جرم و مرتکب را در دادگاه داخلی قابل تعقیب و مجازات بدانند.

محکومیت شخص در خارج کشور مؤثر در تکرار جرم نیست.  
حتی در داخله هم هر نوع محکومیتی اثر ندارد بلکه چنانچه اشاره کردیم باید حکم محکومیت قطعی و لازم الاجرا شده باشد چه در امور جزائی حکم محکومیت وقتی مؤثر است که تمام مراحل خود را پیموده و دیوانعالی تمیز آنرا ابرام کرده و یا مهلت مقرر برای استیناف و یا تمیز حکم منقضی شده باشد بی آنکه شخص محکوم از آن استفاده کند. حتی اگر پس از تعقیب او و صدور حکم غیر قطعی بر محکومیتش چنین شخصی مرتکب جرم دیگری گردید چون محکومیت پیش او قطعی و لازم الاجرا نشده دادگاه نمیتواند آن را در تکرار جرم او مؤثر بگیرد - بلکه باید در محکومیت دوم و آنهم در صورت قطعیت حکم اول در جریان محاکمه احکام تعدد جاری شود.

حال اگر محکومیت مزبور با فرض قطعیت بجهت قانونی از قابلیت اجرائی بیفتد مثلاً مجازات او مورد عفو مقام اول کشور واقع شود: معافیت مزبور تأثیری در تکرار جرم نخواهد داشت چه همانطور که پیش استدلال نمودیم شرط تأثیر محکومیت اجرا شدن آن نیست قانون مجازات عمومی ایران نیز (ماده ۲۴) در این باب صریح و گفته است «... خواه حکم مزبور اجرا شده یا نشده باشد» مگر آنکه محکومیت مزبور مورد عفو عمومی واقع گردد که در این صورت بکلی از صحنه جزائی او محو میشود - این نکته نیز در تأثیر محکومیت قابل توجه است که محکومیت مزبور مربوط بشخص عادی و دارای مسئولیت جزائی کامل است پس جرائم ناشیه از اطفال و حکم محکومیت آنها مؤثر در تکرار نیست.

۳ - جرم دوم در مدت معینی پس از ثبوت جرم اول واقع شود - هنوز بخاطر داریم که یکی از علل بزرگ در تشدید مجازات برای مرتکبین تکرار جرم همانا تجری آنها و بقاء بر مجرمیت با وجود محکومیت سابقه بود.  
لکن از طرف دیگر - می بینیم که وقتی مدت زیادی از محکومیت اولیه گذشت رفته رفته عمل سابق و مجازات

او بکلی فراموش میشود - اینستکه وقتی مرور زمان در کلیه امور بشری و بلکه مهمترین و شدیدترین وقایع و حتی اصل مجرمیت و مجازات مؤثر باشد باید بطریق اولی در آثار محکومیت نیز تأثیر داشته و از آنجا که بشر نیز الی غیرالشیایه و برای مدت نامحدود مسئول کرده خود و آثار متصوره از آن نیست باید درباره تکرار جرم و اثر داشتن جرم و محکومیت سابقه شخص در اعمال آینده او حدی قائل شویم چه مرور ایام و گذشتن مدت دراز همانطور که اعمال عادی بشر را از بین میبرد اعمال زشت او را هم فراموش و دیگر نمیتوان بفاصله زیادی عمل مجدد شخص را حمل بر تجری و بقاء بر مجرمیت او (بعلمت جرم چندین سال پیش) گرفت - اینست که کلیه کشورها برای اثر محکومیت در تکرار حدی و مهلتی قائل شده اند بطوریکه اگر بین جرم اول و دوم مدت معینی فاصله شد دیگر عمل اولی را مؤثر در دومی نمی گیرند قانون مجازات عمومی ایران نیز اصل فوق را رعایت و هرگاه مدت پنج سال از محکومیت جرم اول گذشت و شخص مزبور مرتکب جرم دیگری (از جنحه مهم و جنایت) نگردید محکومیت سابقه تأثیری در تکرار جرم نخواهد داشت

### در مجازات تکرار جرم

اکنون که شرایط لازم برای تکرار جرم و علل و موجبات مؤثر در تشدید مجازات و لزوم این تشدید را از نظر گذرانده و دانستیم در چه موارد تکرار جرم صادق بوده و در صورت اخیر هم برای تأثیر مجازات و جلوگیری از تجدید و ازدیاد جرائم باید تصمیمات مخصوصی بر علیه مرتکبین گرفت باید هم چنین بدانیم تصمیمات مزبور از چه قبیل بوده و نوع و میزان مجازات درباره مرتکبین تکرار بر روی چه پایه و اساس قرار گیرد بعبارة دیگر برای تأثیر مجازات آیا فقط بر میزان آن بیفزائیم یا نوع مجازات را هم تغییر دهیم یا مجازات تکمیلی عمده برای مرتکبین در نظر گیریم و نیز در تشدید مجازات فقط مطلق محکومیت و صرف تکرار را مؤثر بدانیم یا آنکه نوع و میزان مجازات را به نسبت دفعات ارتکابه و هر نوبه محکومیتی زیادتر کنیم؟